

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

طبع جوان

در هر زبان فتاده کنون داستان من هر کس حکایتی بکند از زبان من
جمعی گشتند در محاکم آزمایشم جمعی کند به باده ناب امتحان من
پرسد کسی ز زادگه و اصل و نسل من جمعی ز قامت و قد و نام و نشان من
بر آن گمان که رشته ز دستم گسسته است بر آن هوا که رفته ز چنگم عنان من
تیری رها شدست ز شستم به حرف حق مردم گمان برند به ضعف کمان من
این اشتر سپید که خوابد به هر دری تنها نمانده سر به سر آستان من
صد همچو من گرانی این بار می کشد اما بلند گشته صدا و فغان من
غافل که از بهار ز کف رفته تا هنوز باشد "ذخیره های جنون" در نهان من
بر می خورم هنوز ز کیف بهار عمر رنگین تر از بهار درخشد خزان من
ریزد به جام و ساغر من باده نشاط این مهربان زمین من و آسمان من
موی سپید نیست دلیل شکستگی روشن بود "ز مستی طبع جوان" من
سنگین و استوار، به پا ایستاده ام این چرخ نابکار ندارد توان من

از بس شکر ز طرز کلام همی چکد گیرند بوسه سیمبران از دهان من
این بیت را که شاعری زیبا سروده است گویا حقیقتی ست "اسیر" از زبان من
«در پیری از هزار جوان زنده دل ترم»
«صد نوبهار رشک بر خزان من»

(فرنکفورت - جنوری ۲۰۰۳)